

بررسی روابط ایران و اروپا در دوره ترکمانان آق قویونلو

چکیده

روابط سیاسی ایران و اروپا در دوره قراقویونلوها به لشکرکشیهای فرماتروایان این سلسله به گرجستان محدود می‌شد. آنها به دلیل داشتن روابط مسالمت‌آمیز با عثمانی ارتباط چندانی با اروپا نداشتند، اما آق قویونلوها به ویژه در زمان اوزون حسن، به سبب توسعه طلبی عثمانی‌ها با آنها دشمنی داشتند. این امر از یک سو، برای حکومت‌های منطقه‌ای به خصوص امپراتوری طرابوزان فرصتی فراهم کرد تا با ازدواج شاهزاده خانم‌های خود با امرای آق قویونلو با ایشان ارتباط برقرار کنند و از این راه در مقابل فشارهای عثمانی برای خود حامی سیاسی - نظامی به وجود آوردند و از سوی دیگر، دولتهای اروپایی از جمله جمهوری ونیز را بر آن داشت که با فرستادن سفیر و تجهیز کردن آق قویونلوها به اسلحه گرم، آنها را در جهت منافع سیاسی - اقتصادی خود علیه عثمانی به جنگ وادارند، جنگی که نتیجه‌ای جز شکست نظامی از عثمانی و همچنین شکست سیاسی روابط ایران و اروپا نداشت. در این مقاله، روابط آق قویونلوها با اروپا و اهداف و فرجام سیاسی - اقتصادی آن روابط و دستاوردهای مثبت و منفی آن بررسی شده است.

کلید واژه: آق قویونلو، اوزون حسن، عثمانی، طرابوزان، جمهوری ونیز، آناتولی.

مقدمه

روابط ایران و اروپا به ویژه پس از حمله مغول به ایران همواره از مسائل مهم و مورد توجه بوده است؛ بنابراین، پژوهش حاضر به بررسی روابط ایران و غرب در دوره حکومت ترکمانان آق قویونلو* پرداخته است. در بررسی روابط ترکمانان با دولتهای اروپایی، باید به نقش عثمانی و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای و بین منطقه‌ای توجه خاصی داشت؛ زیرا محرک و دلیل اصلی و واقعی این روابط، ترکان عثمانی بوده‌اند و اگر کشورگشاییها و زیاده‌خواهیهای اوزون حسن آق قویونلو** را در آناتولی مزید بر علت بدانیم، متوجه می‌شویم که عثمانی، کلید رمزگشای روابط پیچیده اروپا و ترکمانان است.

ظهور چهره‌ای بارز به نام سلطان محمد دوم (فاتح)*** در پهنه سیاست بین‌الملل که از یک سو، رقیب قدرتمند ترکمانان (آق قویونلوها) در منطقه بود و از سوی دیگر، به دلیل سیاست توسعه‌طلبانه‌اش به سمت غرب، دشمن سرسختی برای کشورهای اروپایی به شمار می‌رفت، سبب شد که حکام قدرتمندی چون اوزون حسن به درستی دریابند که مقابله با چنین مشکلی مستلزم پذیرش درخواست برقراری ارتباط و در نهایت اتحاد با دولتهای اروپایی و حاکمان منطقه به‌ویژه امپراتوری طرابوزان است؛ زیرا بیم آن می‌رفت که دشمن مشترک، هر یک از آنها را به ضعف و زوال دچار کند؛ پس، هدف مشترک یعنی تضعیف و یا حتی براندازی عثمانی مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلیل ایجاد روابط میان ترکمانان (به ویژه آق قویونلوها) و اروپا بود. اهمیت موضوع

* آق قویونلوها، یکی از قبایل بیست و چهارگانه اوغوز بودند که بر بیرقهای خود گوسفندان سفید ترسیم می‌کردند. آنها پس از برجیدن حکومت قراقویونلوها و آخرین بازمانده تیموریان یعنی ابوسعید تیموری به اوج قدرت سیاسی - نظامی رسیدند و سرانجام در سال ۹۲۰ق. به دست شاه اسماعیل اول صفوی از بین رفتند (یوسف جمالی، ۱۳۷۶، ص ۳۱۱-۳۱۴؛ حسن‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۷۲-۷۱).

** مؤسس و مقتدرترین پادشاه سلسله ترکمانان آق قویونلو بود که با از میان بردن ابوسعید تیموری و جهان‌شاه قراقویونلو، حکومت نیرومندی به وجود آورد.

*** سلطان محمد دوم از سلاطین به نام و مقتدر عثمانی بود که در سال ۱۴۵۱م. به تخت سلطنت نشست و اندکی پس از آن در سال ۱۴۵۳م. قسطنطنیه را فتح و امپراتوری بیزانس را ساقط کرد (اوزون چارشلی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۸-۱۶۷).

زمانی آشکار شد که سلطان محمد دوم، قسطنطنیه را از دست اروپاییان گرفت، دنیای مسیحیت نیز در صدد جبران این شکست برآمد، اما پایداری عثمانی‌ها در نگهداری از قسطنطنیه سبب شد که این امر به آرزویی دست نیافتنی برای اروپاییان تبدیل شود.

تسلط ترکان عثمانی بر آبراههای بسفر و داردانل و همچنین راههای تجاری شرق به غرب سبب شد که اروپاییان بیش از پیش موقعیت خود را در خطر ببینند. بروز این مشکلات، دولتهای اروپایی را بر آن داشت تا با ایجاد ارتباط با متحدی قدرتمند در دنیای شرق، علیه عثمانی وارد عمل شوند؛ پس ترکمانان آق قویونلو، بهترین گزینه انتخابی بودند. عظمت و شهرت اوزون حسن پس از زوال تیموریان و قراقویونلوها و ازدواج وی با شاهزاده طرابوزانی، دسینا خاتون، همچنین دشمنی و رقابتش با عثمانی‌ها کافی بود تا نظر دولتهای اروپایی را به سمت او جلب کند.

در اروپا هنوز خبری از استعمارگران اسپانیایی، پرتغالی و انگلیسی نبود، اما متقدمین آنها یعنی دولت - شهرهای کوچکی که هدفشان به دست آوردن سود بیشتر از تجارت و داد و ستد کالا میان شرق و غرب بود و فکر تصرف منابع شرق را در سر می‌پروراند، در جای جای این قاره حضور فعال داشتند. آنان در کنار تجارت، به تبلیغ دین مسیح(ع) نیز توجه داشتند و اغلب، مبلغان و کشیشان مذهبی را با خود می‌بردند؛ کاری که بی‌گمان زمینه‌ساز تسلط اقتصادی بر مناطق مورد نظرشان بود. البته، آزادسازی مزار مقدس و تسلط بر سرزمین مصر و شاهراههای اقتصادی منطقه نیز از دیگر اهداف آنها در برقراری روابط سیاسی - اقتصادی با شرق بود.

با توجه به این نکته که دوره حکومت ترکمانان آق قویونلو هنوز دوره‌ای ناشناخته است و مطالعات و تحقیقات صورت گرفته کامل و کافی نیست و همه زوایای تاریخی این دوره بررسی نشده است، در این پژوهش به بررسی روابط خارجی آق قویونلوها می‌پردازیم.

روابط خارجی ایران و اروپا در دوره آق قویونلو

الف - روابط آق قویونلوها با امپراتوری طرابوزان:^{۳*}

بحث از روابط آق قویونلوها با امپراتوری طرابوزان به جز از نظر بررسی روابط آن دو با یکدیگر از آن جهت که مدخلی است بر جستجوی دلائل اصلی و زمینه‌های ارتباط آق قویونلوها با اروپاییان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به همین سبب در این قسمت به بررسی روابط آق قویونلوها با امپراتوری طرابوزان پرداخته شده است.

پیشینه روابط آق قویونلوها با امپراتوری طرابوزان قدمتی بیش از دوره حکومت اوزون حسن دارد، روملو در این باره می‌نویسد:

«در آغاز قرن بانزدهم میلادی / قرن نهم هجری قمری میان طرابوزان و آق قویونلوها روابط نزدیکی برقرار بود، تا آنجا که در سال ۱۴۲۰م. / ۸۲۳ه.ق. هر دو دولت به اتفاق به محاصره ارزنجان پرداختند که در آن واقعه امپراتور طرابوزان منجنیق، توپ و مواد انفجاری را در اختیار آق قویونلوها گذارده بود.» (همو، ۱۳۴۷، ص ۳۰۹).

این اتحاد سیاسی بر پایه خویشاوندی نزدیکی استوار بود که از طریق ازدواج پدربزرگ اوزون حسن یعنی زالوی سیاه با دختر الکسیس چهارم به وجود آمده بود (هیننس، ۱۳۶۲، ص ۴۰-۴۱)، اما در دوره اوزون حسن اوضاع قدری متفاوت بود؛ هر روز بر تهدید عثمانی علیه طرابوزان افزوده می‌شد و لازم بود که این امپراتوری متحدی قدرتمند در منطقه داشته باشد؛ البته نباید فراموش کرد که:

«روابط آق قویونلوها با طرابوزان تابعی از تحولات منطقه‌ای بود. به عبارت دیگر، به تناسب افزایش تهدیدات خارجی علیه طرابوزان با قدرت‌گیری آق قویونلوها این روابط توسعه می‌یافت. هر چند روابط با آق قویونلوها تا زمان روی کار آمدن اوزون

* در پی فتح استانبول به دست لاتن‌ها «الکسی کومنن، از افراد سلسله کومنن که به طرابوزان فرار کرده بود، در سال ۶۰۱ ق / ۱۲۰۴م. امپراتوری با همین نام تأسیس نمود». این امپراتوری از راه بازرگانی کسب درآمد می‌کرد و به لحاظ قرار گرفتن در مسیر تجارت میان شرق و غرب و همچنین داشتن روابط مستحکم تجاری با دولت - شهرهای اروپایی از جمله ونیز از موقعیت سیاسی - اقتصادی مهمی برخوردار بود؛ به همین سبب در معادلات سیاسی منطقه نقش مؤثری داشت (اوزون چارشلی، ۱۳۷۰، ص ۵۴ - ۶۱ و ۵۲۹ - ۵۳۰).

حسن، دوستانه و توأم با حسن نیت بود، سقوط نسطرنطیه، تکیه‌گاه مهم منطقه‌ای طرابوزان و از شرکاری تجاری آنان به دست سلطان محمد فاتح و حساسیت موقعیت امپراتوری، مناسبات آن دورا وارد مرحله جدیدی کرد و ازدواج سیاسی اوزون حسن با دسپینا خاتون تأکیدی بر همکاری‌های سیاسی - نظامی آن دو بود.» (حسن‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۴۷).

از دیگر مواردی که سبب اتحاد طرابوزان با اوزون حسن شد، کوشش اروپاییان برای تحریک و تشویق آن دو در ایجاد این اتحاد بود. آنها می‌خواستند که جبهه ضد عثمانی را متحدتر و منسجم‌تر از قبل تشکیل دهند و از موجودیت آخرین حکومت مسیحی شرق یعنی امپراتوری طرابوزان به نفع خود دفاع کنند. مسامحه مذهبی اوزون حسن در این امر کمک شایانی به اروپاییان کرد. در این اتحادیه چند هدف مجزا دنبال می‌شد؛ بدین صورت که امپراتوری طرابوزان با اتحاد با ترکمانان می‌کوشید از موجودیت کشورش دفاع کند و عثمانی را از خاک خود بیرون براند، از سوی دیگر، دولتهای اروپایی همچون ونیز، در قالب سیاستهای مذهبی، خواستار منافع اقتصادی خود بودند.

کالیوانیس چهارم، امپراتور طرابوزان، در اواخر سال ۸۶۲ ق / ۱۴۵۷ م. برای تحقق این اهداف، سفیری به دیار آمد* فرستاد. هنگامی که این سفیر پیشنهاد اتحاد علیه عثمانی را مطرح کرد، اوزون حسن نیز خواستار ازدواج با دختر امپراتور شد و در مقابل متعهد شد که با جان و مال خود از امپراتوری طرابوزان در برابر عثمانی حمایت کند (سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۱۳۴۹، ۲۹۳-۲۹۴) اوزون حسن از این کار چند هدف داشت: نخست آنکه می‌خواست برای استوار ساختن پایه‌های قدرت خود در برابر حریف نیرومندی چون سلطان محمد فاتح با خاندان امپراتوری طرابوزان وصلت کند؛ دوم آنکه در کرانه دریای سیاه، خویشاوند و متحدی مطمئن بیابد (طاهری، ۱۳۴۹، ص ۴۲). در مقابل، امپراتوری طرابوزان می‌کوشید تا با اوزون حسن پیمان دوستی ببندد و چون از طرف عثمانی احساس خطر می‌کرد، تنها با گذاشتن شرایطی برای این ازدواج از جمله آنکه دسپینا خاتون در دین خود (مسیحیت) باقی بماند (سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۱۳۴۹، ص ۲۹۳)،

* آمد «نام شهری قدیمی و مستحکم در شمال بین‌النهرین و آن با سنگهای سیاه بنا شده و شط دجله آن را چون هلالی احاطه کرده است و در قرب آن چشمهایی است که شهر را آب دهد و امروز به دیار بکر معروف است.» (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۲۵، مدخل آمد).

چاره‌ای جز قبول خواسته‌ی اوزون حسن ندید، اما با توجه به گزارش‌های منابع موجود، گویا امپراتور با ازدواج دخترش و اوزون حسن چندان موافق نبود و برخلاف میل باطنی خود، ایالت کاپادوکیه در آناتولی را به عنوان جهیزیه به دخترش داد و در مقابل، از اوزون حسن تعهد گرفت که در برابر حمله‌های احتمالی عثمانی از او دفاع کند (هینتس، ۱۳۶۲، ص ۴۱).

آنها پس از موافقت با این ازدواج سیاسی، در سال ۸۶۲ ق / ۱۴۵۸ م. قراردادی رسمی امضا کردند (همان، ص ۴۲).

درآمد اصلی امپراتوری طرابوزان از بازرگانی و تجارت تأمین می‌شد، به همین سبب کمتر به تقویت نیروی نظامی خود می‌پرداختند؛ آن گونه که پیش از این نیز به خاطر همین ضعف خراجگزار سلجوقیان روم، مغولان، تیموریان و عثمانی‌ها شده بودند؛ بنابراین برای رهایی از این وضعیت و گریز از تهاجم طوایف ترک اطراف آناتولی در دوره‌های مختلف، به وصلت سیاسی شاهزاده‌خانمهای طرابوزانی با فرمانروایان و حکام منطقه متوسل می‌شدند تا این ضعف را در سایه متحدان خویشاوندشان جبران کنند، حسن‌زاده می‌نویسد:

«ازدواج امرای آق قویونلو از جمله تغلیب‌بیگ، قرایولوک عثمان‌بیگ و اوزون

حسن با شاهزاده خانم طرابوزانی در راستای همین سیاست بود.» (همو، ۱۳۷۹، ص ۱۴۷).

از یک سو، این زن می‌توانست افزون بر انتقال اخبار و اطلاعات درباره اوزون حسن، در تحریک و تهییج وی در جنگ با عثمانی موثر باشد و بدین ترتیب، رابطه طرفین بیش از پیش مستحکم و پابرجا می‌شد و از سوی دیگر، اوزون حسن با این ازدواج وارد بخشی از پیمان می‌شد که علیه عثمانی بسته شده بود و به اتحادیه حاکمان طرابوزان، گرجستان و قرمان می‌پیوست (روبر، ۱۳۷۹، ص ۱۸۳)؛ با همه این احوال:

«این ازدواج سیاسی هر چند سرانجام نیکی برای هر دو طرف معامله نداشت

ولی برای اندک مدتی قدرت و نفوذ ونیزیان را در ایران تضمین کرد.» (یوسف جمالی،

سرانجام امپراتوری طرابوزان:

پس از ایجاد اتحاد منطقه‌ای میان آق قویونلوها، گرجستان، قرمان و طرابوزان، متحد اخیر با اطمینان و پشتگرمی هم‌پیمانان خود می‌کوشید از قید ترکان عثمانی رهایی یابد، اما هنوز مدتی زیاد از این پیمان مشترک نگذشته بود که امپراتور طرابوزان درگذشت و برادرش دیوید (۸۶۲ - ۸۶۵ ق / ۱۴۵۸-۱۴۶۱ م) جانشین او شد. دیوید نیز مانند برادر، سیاستهای خصمانه علیه عثمانی را پی گرفت و سفرایی به دربار متحدان پیشین و نزد دیگر دولتهای اروپایی فرستاد. همچنین با فرستادن سفیری به دربار اوزون حسن از وی خواست که از سلطان عثمانی بخشش خراج سالانه سه هزار سکه طلا را درخواست کند (هینتس، ۱۳۶۲، ص ۱۴۸)، اما در واقع، این سه هزار سکه طلا که امپراتوری طرابوزان تعهد کرده بود سالانه به عثمانی بپردازد. «فقط بهای مهلتی بود که سلطان عثمانی به دلیل جنگ‌هایش با آلبانی‌ها و مجارها - که با یکدیگر همدست شده بودند، - به او داده بود و به محض اینکه از این جنگ‌ها فارغ می‌شد، ناگزیر به یکسره کردن کار امپراتوری طرابوزان همت می‌گماشت.» (اوزون چارلی، ج ۲، ۱۳۷۰، ص ۵۳۰-۵۳۱).

سرنوشت اتحاد میان اوزون حسن، طرابوزان، گرجستان و قرمان برخلاف تصور آنها رقم خورد؛ زیرا عثمانی از طریق جاسوسانش از همه وقایع و روابط پنهانی آنها آگاهی یافت و این به نفع هیچ یک از طرفین متحد نبود. امپراتوری طرابوزان که می‌کوشید دشمنی خود را با عثمانی پنهان نگهدارد، با این کار به نابودی خود سرعت بخشید و عثمانی تصمیم گرفت که کار آن را یکسره کند؛ از سوی دیگر، دیوید که از تهدید و حمله عثمانی آگاه شده بود، کوشید با ایجاد جنگی صلیبی علیه عثمانی‌ها به پاپ متوسل شود و با درخواست کمک از شارل هفتم، پادشاه فرانسه (حسن‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۴۹) و اتحاد با ایران و گرجستان در برابر عثمانی بایستد؛ عثمانی به محض آگاه شدن از این روابط، تصمیم خود را عملی ساخت؛ البته، در این میان، اوزون حسن حتی مادرش، سرای خاتون و شیخ حسن کرد را به اردوی سلطان عثمانی فرستاد و برای جلوگیری از نابودی طرابوزان کوششهای بی‌نتیجه‌ای انجام داد (همان، ص ۱۴۸).

سلطان محمد فاتح با درک وضعیت به وجود آمده و پیش از آنکه کوچک‌ترین فرصتی به امپراتوری طرابوزان بدهد تا از هم‌پیمانانش کمک بگیرد، با حمله از دو محور خشکی و دریا، در

۲۶ اکتبر ۱۴۶۱ سبب تسلیم و در نهایت انقراض این امپراتوری شد (اوزون چارشلی، ج ۲، ۱۳۷۰، ص ۵۳۱). این رویداد به امپراتوری ۲۵۹ ساله طرابوزان به عنوان آخرین حکومت مسیحی منطقه پایان داد و بیش از پیش به استیلای ترکان عثمانی بر منطقه حساس آناتولی و راههای تجاری آن کمک کرد. بدیهی است که این امر خوشایند اوزون حسن و سیاستهای توسعه طلبانه او نبود؛ به ویژه آنکه راههای ارتباطی و تجاری به اروپا تا حد زیادی از کنترل وی و هم‌پیمانانش خارج شد.

ب - روابط آق قویونلوها با اروپا:

در دوره آق قویونلوها برخلاف دوره حکومت قراقویونلوها روابط ایران و اروپا به اوج خود رسید. در این زمان، ایران ارتباط سیاسی - اقتصادی گسترده‌ای با دولتهای اروپایی برقرار کرد. غلبه اوزون حسن بر جهان‌شاه قراقویونلو و ابوسعید تیموری، اتحاد با گرجیان و امپراتوری طرابوزان، او را به عنوان یک چهره سیاسی شاخص معرفی کرد و شهرت جهانی یافت (میرجعفری، ۱۳۷۹، ص ۳۲۵). این وقایع همزمان بود با سقوط قسطنطنیه در ۸۵۷ ق / ۱۴۵۳ م. که به وحشت اروپا از عثمانی و تداعی خاطره جنگهای صلیبی منجر شد. با انتشار خبر شکست جهان‌شاه قراقویونلو، هم‌پیمان عثمانی، در سال ۸۷۲ ق. دولتهای اروپایی تصمیم گرفتند با ایجاد روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی هر چه بیشتر به اوزون حسن نزدیک شوند؛ به عبارت دیگر:

«با افزایش قدرت آق قویونلوها و بلندآوازه شدن نام امیر حسن بیگ، فرستادگان

فرمانروایان کشورهای مختلف متوجه دربار پادشاه بایندر شدند.» (همان).

در این زمان، حکومت تازه‌نفس عثمانی می‌توانست افزون بر غرب، برای شرق نیز خطر بزرگی به شمار آید. با فتح استانبول، سلطان محمد فاتح به اعتبار و شهرت کم‌نظیری دست یافت و با فتوحات جدید خود در اروپا، گویا قصد داشت که همه این قاره را تسخیر کند؛ پیشروی پی در پی او به سمت اروپا لریزه بر اندام دولتهای اروپایی انداخت؛ چرا که دولت - شهرهایی همچون ونیز که با استفاده از تجارت دریایی و مستعمره‌هایی که در دیگر نقاط به ویژه در سواحل دریای مدیترانه داشتند، ثروت هنگفتی از داد و ستد و ترانزیت کالا به دست آورده بودند و وجود قدرتی به نام عثمانی منافع آنها را به مخاطره می‌انداخت.

دولتهای اروپایی تا پیش از ظهور اوزون حسن در صحنه سیاست، به دو دلیل عمده توانایی مقابله با ترکان عثمانی را نداشتند: نخست، نبود انسجام و اتحاد میان این دولتها و دوم، نداشتن متحدی قوی در مشرق زمین برای همکاری و حتی کمک جنگی در مواقع لزوم. این دلایل در نهایت تا مدتی سبب سکوت اروپاییان در مقابل فتوحات رعدآسای عثمانی شده بود؛ البته نباید این گونه پنداشت که آنها در این سالها هیچ اقدامی علیه عثمانیها انجام نداده بودند، بلکه عملکردهایشان در این مدت (پیش از قدرت‌گیری اوزون حسن) به نتیجه شایان توجهی منجر نشده بود. در این هنگام، سلطان محمد فاتح از پشت جبهه خود یعنی شرق، آسوده‌خاطر بود؛ زیرا جهان‌شاه قراقویونلو متحد وی بود و از جانب او خطری احساس نمی‌کرد و بی‌گمان یکی از دلایل پیشرفت اولیه سلطان عثمانی در اروپا این آسایش خیال بوده است، اما با روی کار آمدن اوزون حسن اوضاع تغییر کرد و معادلات منطقه‌ای نیز دچار فعل و انفعالات محسوسی شد. در این وضعیت پاپ و دولتهای اروپایی مانند آلبانی، روسیه سفید یا دوک‌نشین مسکو، دوک ملداوی، دوک‌نشین بورگندی، رومانی، مجارستان، لهستان، ناپل، جنوا و ویز در صدد برآمدن با نامه‌نگاری و فرستادن سفیر با اوزون حسن ارتباط برقرار کنند. اوزون حسن نیز در مقابل، سفیرانی با نامه و هدیه به این سرزمینها فرستاد (حسن‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۵۲).

اروپاییان از برقراری ارتباط با ایران افزون بر جلوگیری از توسعه‌طلبی عثمانی در غرب اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کردند:

«نخست، تسهیل حرکت جهانگردان اروپایی و دعوت عیسوی برای یافتن سرزمین‌های تازه یا کشف راه‌های جدید دریایی و زمینی یا اقناع حس کنجکاوی یا پراکندن اصول آیین مسیح و دوم، حفظ و برقراری و دوام امنیت در سراسر راه‌های بازرگانی اعم از زمینی و دریایی و دادن تأمین جانی و مالی به سوداگرانی که از مشرق زمین کالا می‌خریدند یا کالاهای ساخت اروپا را به کشورهای شرقی می‌فروختند.» (طاهری، ۱۳۴۹، ص ۴۲).

همچنین در نیمه اول قرن نهم هجری قمری / پانزدهم میلادی مهم‌ترین علاقه معنوی اروپاییان در رویکرد به شرق شبیه همان عقیده کهن جنگهای صلیبی، یعنی آزادسازی مزار مقدس

بود که البته خیال فتح مصر را هم باید بدان افزود. با سقوط قسطنطنیه انگیزه دستیابی مجدد به آنجا به اهداف بالا اضافه شد و اروپاییان بیش از پیش برای یافتن متحدانی در شرق و تشکیل اتحادیه‌ای منطقه‌ای کوشیدند. بازتاب این موضوعها نخستین بار در فتوای پاپ نیکلاس پنجم تجلی یافت (۳۰ اکتبر ۱۴۵۳) که در آن، همه ملت‌های مسیحی را به جنگ صلیبی علیه ترکان عثمانی فراخواند و سپس سفیری به نام فرانسیسکن لودویکو دا بولونیا* را به شرق فرستاد** تا متحدانی برای اروپا بیابد (رویمر، ۱۳۷۹، ص ۱۸۱). این سفیر، پس از مسافرت به گرجستان در سال ۸۶۳ - ۸۶۴ ق / ۱۴۵۹ م. در شهر آمد با اوزون حسن درباره اتحاد علیه عثمانی مذاکره کرد. اوزون حسن برای آنکه نشان دهد به اتحاد با طرابوزان و اروپا پایبند و مقید است، همراه سفیر پاپ، سفیری نزد دربارهای اروپایی فرستاد. این سفیران در اواخر دسامبر ۱۴۶۰ وارد رم شدند (هینتس، ۱۳۶۲، ص ۴۵). اهالی رم با دیدن سفیر اوزون حسن تعجب کردند؛ زیرا در میان سفیران تنها این سفیر مسلمان بود و با لباسی جالب توجه در رم ظاهر شده بود. به هر روی، میان سفیر و دولتهای اروپایی مذاکره‌هایی انجام شد و در نهایت نماینده اوزون حسن به آنان اطمینان داد که ایران در مقابل تهاجم عثمانی در غرب، به دولتهای اروپایی کمک می‌کند (همان).

رابطه با جمهوری ونیز:

ونیز در آن زمان یک دولت - شهر بود و به صورت جمهوری اداره می‌شد، این جمهوری:

«به دلیل موقعیت خاص و دسترسی به آب‌های آزاد، دارا بودن ناوگان جنگی و تجاری قدرتمند و بنادر مجهز، یکی از قطب‌های مهم بازرگانی در اروپا به شمار می‌رفت. دامنه مستعمراتش تا جزایر کرت و قبرس در دریای مدیترانه کشیده شده بود و به همراه رقیب خود، جنوا کالاهایی چون پارچه‌های ابریشمی و ادویه‌جات چین، هند، ایران،

* Franciscan Ludovico da Bologna

** هینتس در کتاب تشکیل دولت ملی در ایران عقیده دارد که پاپ کالیکست سوم در سال ۱۴۵۶ م / ۸۶۰ - ۸۶۱ ق. یکی از راهبان فرانسیسکانی به نام لود ویکو دا بولونیا را برای تحریک علیه عثمانی به شرق فرستاده است؛ در حالی که نوشته‌های رویمر در ذکر سال و نام پاپ با آن تناقض دارند (هینتس، ۱۳۶۲، ص ۴۳ - ۴۴).

مصر و عثمانی را از طریق دریای سیاه و مدیترانه به اروپا منتقل می‌کرد و با حمل کالاها و فرآورده‌های اروپایی به ممالک شرقی، ثروتی هنگفت به دست می‌آورد. در واقع، پیش از کشف راه‌های دریایی منتهی به هند، راه‌های زمینی به خصوص راه‌های کاروان‌رو ایران به آناتولی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.» (حسن‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۴۹).

این راه‌های تجاری شرق که به مستملکات و نیز منتهی می‌شدند، سود فراوانی به جیب بازرگانان و نیز سرازیر می‌کردند، اما با تسلط عثمانی بر آناتولی و دریای مدیترانه و حتی دست‌اندازی به مستعمرات و نیزی‌ها اوضاع تا حدی به ضرر آنها رقم خورد. و نیزی‌ها که تا این زمان در ظاهر می‌کوشیدند روابطشان را با شرق و حتی عثمانی حفظ کنند، به تدریج به این نتیجه رسیدند که در شرق به متحدانی همسو نیاز دارند تا از دست‌اندازی‌های روزافزون عثمانی جلوگیری کنند. این موضوع با تداوم موفقیتها و پیشرویهای سپاه عثمانی بغرنج‌تر شد؛ به ویژه زمانی که مستملکات و نیزی‌ها همچون موره و آلبانی به دست عثمانی افتاد.

در یک برداشت کلی می‌توان گفت که تسلط عثمانی بر قسطنطنیه، بسته شدن راه‌های تجاری اروپا به مشرق زمین و احتمال تصرف اروپا به دست سلطان محمد فاتح بیش از پیش سبب گرایش پاپ و دولت‌های اروپایی به ویژه و نیز به اتحاد علیه عثمانی شد. و نیزی‌ها در ظاهر امر قصد داشتند با استفاده از نفوذی که در اروپا به دست آورده بودند، نبرد اروپا و عثمانی را به یک جنگ صلیبی دیگر تبدیل کنند؛ اما اینها همه دلالتی خود ساخته بود برای مقاصد پنهانی سران و نیز و دیگر حکومتهای اروپایی که با استفاده از ابزار مختلف در پی رسیدن به منافع سیاسی - اقتصادی خود بودند یا به قولی:

«غریزه سودجویی و میل بازاریابی از انگیزه‌هایی بودند که بازرگانان را از قدیمی‌ترین زمان‌ها و از

دور افتاده‌ترین نقاط مغرب زمین به سوی ایران می‌کشاند.» (طاهری، ۱۳۴۹، ص ۳۱).

و نیزیان بیش از هر امری در طلب منافع شخصی خود بودند:

«هدف اصلی جمهوری و نیز بیشتر از آنکه بخواهد خود را سرگرم تعصبات

مذهبی نماید، تأمین منافع تجاری با هر یک از دولت‌ها بدون در نظر گرفتن اینکه پیرو

کدام دین و یا مذهبی هستند، بود. بدین جهت، جمهوری و نیز تا زمانی که خللی در

منافعش ایجاد نمی‌شد، از جبهه‌گیری خصمانه علیه دولت و حکومتی که در مقابلش قرار داشت، خودداری می‌کرد.» (اوزون چارشلی، ج ۲، ۱۳۷۰، ص ۵۳۴).

از سوی دیگر، روند جنگهای صلیبی که در به ثروت و قدرت رسیدن و نیزی‌ها بسیار اثر داشت، نشان داد که ایشان چندان به غیرت و تعصب دینی پایبند نبوده‌اند؛ زیرا: «برای سربازان صلیبی که عازم مشرق بودند کشتی و خواربار و اسلحه تهیه می‌کردند و از این راه سود فراوانی به دست می‌آوردند و حتی از سرکیسه کردن صلیبیان نیز خودداری نمی‌کردند.» (نواشی، ج ۱، ۱۳۷۷، ص ۱۱۷).

افزون بر این، در آن هنگام رویدادی دیگر به وقوع پیوست که نیاز و نیز را به ارتباط با ایران بیشتر کرد و آن «هجوم لشکریان عثمانی به جزیره بویا»^{۳۳} واقع در مجمع‌الجزایر یونان بود که نزدیک سه قرن و نیزیان آن را در تصرف داشتند.» (طاهری، ۱۳۴۹، ص ۴۱).

بی‌گمان، منافی که این مجمع‌الجزایر برای و نیز داشت بی حساب بوده است؛ زیرا و نیزی‌ها افزون بر تسلطی که بر ترانزیت تجاری این ناحیه داشتند به راحتی می‌توانستند به اهداف سیاسی و مذهبی خود در آنجا دست یابند، به ویژه آنکه، این جزایر به جز موقعیت مهم استراتژیک از ثروتمندترین بندرهای تجاری یونان به شمار می‌آمدند.

همزمان با این وقایع در ایران چه می‌گذشت؟ در این هنگام، اوزون حسن «دولت آق‌قویونلو را به تشکیلات نظامی منظمی وابسته کرده بود و در صدد بود دولتش را به صورت دولتی منظم و با اصول قانونی درآورد.» (اوزون چارشلی، ۱۳۷۲، ص ۴۸).

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که اوزون حسن از دشمنی با عثمانی چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟ شرکت اوزون حسن در اتحادیه مخالفان عثمانی تصادفی نبود و مهم‌تر آنکه وی در جایگاهی نبود که منافع خود و حکومتش را نادیده بگیرد. از این دیدگاه، لازم است که در یک دسته‌بندی اجمالی، دلایل تیرگی روابط ایران و عثمانی بررسی شود:

الف - دشمنی ایران با ترکان عثمانی که از دوره‌های پیش به صورت متناوب وجود داشت، کینه‌ای دیرین را به وجود آورده بود که این وضعیت جدید می‌توانست فرصتی برای انتقام گرفتن باشد.

ب - ازدواج سیاسی اوزون حسن با دسپینا خاتون که به ایجاد رابطه خویشاوندی با

امپراتوری طرابوزان و به تعبیری، با جمهوری ونیز منجر شد و به نوعی تعصب خویشاوندی میان اوزون حسن و آنان به وجود آورد.

پ - سقوط امپراتوری طرابوزان و تصرف نواحی تحت تسلط این امپراتوری مسیحی که حکام آن، خانواده همسر و همچنین متحد اصلی وی در منطقه بودند، نمی توانست برای او خوشایند باشد.

ت - دلایل اقتصادی نیز به نوبه خود در تشویق اوزون حسن برای دشمنی بیشتر با عثمانی مؤثر بود. مواردی همچون تسلط عثمانی بر مناطق آناتولی^{۳۰}، آبراههای بسفر و داردانل و شاهراه تجاری شرق به غرب که در این سالها، حکومتهای ایرانی واسطه اصلی این شاهراه بودند و از طریق ترانزیت کالا سود هنگفتی به دست می آوردند و حال، اوزون حسن نمی خواست این موقعیت را از دست بدهد. همچنین وعده های اقتصادی که اروپاییان در صورت پیروزی به او داده بودند، بی تأثیر نبود.

ث - اوزون حسن خود را جانشین قانونی ایلخانان و تیموریان می دانست و حکومت بر بخش وسیعی از آناتولی را سهمی از این میراث می پنداشت.

افزون بر این، جاه طلبیهای اوزون حسن برای به دست آوردن قدرت و نفوذ بیشتر در منطقه، جلوگیری از کشورگشایی سلطان محمد فاتح در شرق و در نهایت، تحریک پاپ و دولتهای اروپایی به ویژه جمهوری ونیز که با حمایت عناصر درونی حکومت یعنی دربار و حرمسرا پی گیری می شد، سبب شد اوزون حسن تصمیم بگیرد علیه سلطان محمد فاتح بجنگد؛ بدین ترتیب، وی که به خوبی می دانست به تنهایی توان درگیری با عثمانی را ندارد با دلگرمی و اتکا به هم پیمانانش وارد روابط سیاسی نافرجامی شد که نتیجه آن قابل پیش بینی بود؛ از سوی دیگر، سلطان محمد فاتح نیز به این نتیجه رسیده بود که ناگزیر است با شرق بجنگد؛ به ویژه فعالیت ونیز علیه عثمانی در منطقه که باعث شده بود برخی از هم پیمانان عثمانی تعهد خود را زیر پا بگذارند و به پادگانهای عثمانی حمله کنند. جاسوسان عثمانی هم از وقایع پیش آمده آگاهی یافتند و اخبار دریافتی را به سلطان محمد فاتح رسانیدند، این جریان، رفته رفته او را به جنگ با شرق مصمم کرد.

* برای اطلاع بیشتر از روند پیشروی و تصرف عثمانی در آناتولی و برخورد آن با آق قویونلوها، ر. ک. به:

فرستادن سفیران:

جمهوری ونیز که حتی پس از فتح استانبول برای کاهش بحران در منطقه و تجدید پیمان صلح با عثمانی، نماینده‌ای را رهسپار باعالی کرده بود، با تصویب مجلس سنا و حمایت‌های بی دریغ پاپ به: «مجارها و اسکندربیگ متوسل شد و با پاپ، پادشاه فرانسه، سلطان نشین ناپل و حتی آق قویونلوها و آل قرامان متحد گردید.» (اوزون چارشلی، ج ۲، ۱۳۷۰، ص ۵۳۴) و سفیرانی نزد آنها فرستاد و همچنین برای اطلاع از اوضاع ارتش و توان نظامی آق قویونلوها به تناوب چند سفیر روانه دربار اوزون حسن کرد.

کیرینی، نخستین سفیر ونیز، در سال ۸۶۸ ق / ۱۴۶۳ م. به ایران فرستاده شد و در آمد به حضور اوزون حسن رسید (حسن زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۵۰). اوزون حسن، در اواخر سال ۸۶۹ ق. فردی به نام قاسم حسن را با نامه و هدیه‌هایی به نمایندگی از جانب خویش به دربار دوک ونیز فرستاد (طاهری، ۱۳۴۹، ص ۶۲). در نتیجه این تبادل سفیر و اطلاع نسبی اوزون حسن از وضعیت اروپا و اعلام حمایت ضمنی ایشان، وی تصمیم گرفت برای آگاهی یافتن از میزان توانایی ونیزیان در حمایت از ایران، سفیران دیگری را به ونیز بفرستد؛ بدین ترتیب، در سال ۸۷۷ ق / ۱۴۷۲ م. حاجی محمد را به ایتالیا فرستاد تا با ونیزیان علیه ترکان عثمانی به رایزنی بپردازد و همچنین بتواند در حد توان از آنان کمک مالی و نظامی بگیرد (هینس، ۱۳۶۲، ص ۷۲-۷۳).

کاترینوزنو* در سفرنامه خود، نام چهار تن از سفیران اوزون حسن را در ونیز آورده است: «حاجی محمد، مراد، نیکولو** و چفارسا*** مردانی که همه «مقرب شاه» بودند و «با پیشنهادهای فراوان» و با هدف بستن پیمانی نظامی بر ضد عثمانی و همچنین «سلطان مصر» به ایتالیا فرستاده شدند. گویا براساس این پیمان، ونیزی‌ها بایست «با نیروی دریایی خود به هر دو کشور عثمانی و مصر حمله می‌بردند.» (سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۱۳۴۹، ص ۲۱۲).

پس از ورود فرستادگان دربار آمد به ونیز، مجلس سنا و بزرگان جمهوری به این نتیجه

* Catetino Zeno

** Nicolo

*** Chefarsa

رسیدند که فرستاده‌ای را به دربار اوزون حسن بفرستند تا بتوانند بیش از پیش وی را علیه عثمانی تحریک کنند. این شخص کسی نبود جز بزرگ‌زاده‌ای به نام کاترینوزنو که پیشینه خانوادگی اش نشان از حضور در شرق داشت. وی خواهرزاده دسپینا خاتون، همسر اوزون حسن بود و در آن زمان، شاید برای این مأموریت بهترین گزینه به شمار می‌آمد. خویشاوندی کاترینوزنو با دربار و همچنین پیشینه پدرش در شرق می‌توانست از دلائل مؤثر در گماردن او بدین منصب باشد. وی نسبت به دیگر فرستادگان و نیز از اختیارات تام، تعداد همراهان و حتی مزد بیشتری برخوردار بود. مهم‌ترین هدف و نیزی‌ها از ایجاد ارتباط با اوزون حسن و «فرستادن کاترینوزنو به ایران آن بود که وی پیام دوک و سنای و نیز را جهت حمایت از حسن‌بیگ برای جنگ با دولت و جلوگیری از پیشرفت سلطان محمد به متصرفات اروپایی به حسن‌بیگ برساند و به صورت شفاهی او را از کمک نظامی دولت و نیز مطلع سازد.» (یوسف جمالی، ۱۳۷۶، ص ۷۴).

به عبارت دیگر، زنو مأموریت داشت به اوزون حسن بگوید که دولت متبوعش حاضر است:

«بکصد کشتی مسلح و تعداد زیادی کشتی‌های بزرگ و کوچک دیگر را مسلح

کند و از راه دریا به امپراتوری عثمانی حمله برد، مشروط بر آنکه وی با همه نیروهای

خود از راه خشکی به ترکان بتازد.» (سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۱۳۴۹، ص ۲۱۲).

چنان‌که از منابع و مأخذ برمی‌آید، زنو با حمایت‌های دسپینا خاتون به اهداف خود رسید و با اوزون حسن پیمانی بست و با پافشاری، وی را ترغیب کرد که در نامه‌ای به امیر گرجستان، او را به جنگ با عثمانی تحریک کند. بی‌گمان، فعالیت مؤثر سفیر و نیزی در ایران، افزون بر آنکه نتایج پربراری برای اروپا داشت، نشان‌دهنده اوج روابط ایران و نیز بود؛ البته این بدان معنی نیست که ایران فقط پذیرای سفیران و نیز بوده است، دربار اوزون حسن شاهد حضور فرستادگانی از دیگر کشورهای اروپایی مانند لهستان، مجارستان، ملداوی و... نیز بود.

پس از پایان یافتن مأموریت زنو، جوزافا باربارو، دیگر سفیر ونیزیان برای ادامه مذاکرات پیشین به دربار اوزون حسن فرستاده شد. در آن هنگام، حاجی محمد، سفیر ایران، در نیز حضور داشت و به اتفاق باربارو به ایران بازگشت (۱۲ فوریه ۱۴۷۳ / ۸-۸۷۷ ق). باربارو در این باره می‌گوید:

«ما از نیز با دو کشتی رو به راه نهادیم و دو کشتی بزرگ دیگر به دنبال می‌آمدند

و پراز سپاهی و مهمات جنگی بود و اینها به غیر از تحف و هدایایی بود که عالیجناب

سینیور برای حسن بیگ توسط ما فرستاده بود.» (همان، ص ۴۸).

هدیه‌هایی که باریارو به دربار اوزون حسن آورده بود به جز پارچه‌های زربفت و ظرفهای سیمین و... تجهیزات نظامی از قبیل «شانزده توپ بزرگ، دوست گلوله کمان از مفرغ و آهن، یک هزار تنگ، سه هزار سنبه آهنی برای گلوله‌ها، باروت» و... را نیز شامل می‌شد و همچنین «یک فوج ننگدار و توپچی زیر فرمان سه سرهنگ و یک فرمانده کل به نام توماس آو ایمولو» به خدمت اوزون حسن درآمدند. (همان، ص ۴۹؛ هینتس، ۱۳۶۲، ص ۷۴).

البته افزون بر این، سفیران و نیزی به اوزون حسن قول داده بودند که در صورت حمله به عثمانی حدود یکصد کشتی جنگی در اختیار وی بگذارند. از آنجایی که ایران بایست به نفع سیاستهای اروپا به ویژه و نیز با عثمانی وارد جنگ می‌شد، و نیزیان درصدد کسب اطلاع از چگونگی وضعیت سپاه ایران و میزان توانایی آن برآمدند. باریارو در این باره اطلاعات و آمار جالبی از سپاهیان و حتی چارپایان و چادرهای سپاه اوزون حسن نوشته است (سفرنامه‌های و نیزیان در ایران، ۱۳۴۹، ص ۷۵).

از دیگر گزارشهای معتبری که درباره روابط ایران و نیز مطالب شایان توجهی دارد، سفرنامه جوان ماریا آنجوللو است؛ او که اتفاقی و حتی اجباری در لشکر عثمانی حضور یافته بود، اطلاعات دقیقی از روابط اروپاییان با شرق و وقایع و ویژگیهای دربار اوزون حسن ارائه می‌کند. این سفرنامه همراه دو سفرنامه پیشین به لحاظ تاریخی و سیاسی مکمل یکدیگرند و در شناخت روند حوادث و تحلیل وقایع این دوره به پژوهشگران کمک شایان توجهی می‌کنند؛ به ویژه آنکه سفرنامه آنجوللو از این دیدگاه که وقایع و اتفاقات سپاه عثمانی (سپاه دشمن) را به درستی ثبت کرده، از اهمیت بسیاری برخوردار است و بدین روی، بر غنای تحقیق و مطالعه درباره تاریخ این دوره افزوده است. در این میان، سفرنامه دیگری وجود دارد که با دیگر سفرنامه‌ها اندکی متفاوت است. این سفرنامه معتبر که آمبروزیو کتارینی در تاریخ ۲۳ فوریه ۱۴۷۳ / ۸۷۷ - ۸۷۸ ق. نگارش آن را آغاز کرد و با پایان سفر خود در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۴۷۷ / ۸۸۱ - ۸۸۲ ق. آن را به پایان رسانید (همان، ص ۱۱۵) گویای آن است که هدف و انگیزه مسافرت نویسنده، سیاسی - دینی بوده است،

به ویژه آنجا که می‌گیرید:

«من، امبروزیو کنتارینی، فرزند مسر بندتو، از سوی حضرت فرمانروای ونیز در شورای برگادی به سفارت در دربار اعلیحضرت اوزون حسن، پادشاه ایران منصوب شدم که به پاس نیات صادقانه مخدوم خود، حضرت فرمانروای ونیز و به جهت خیر و صلاح عالم مسیحیت و به افتخار نام خداوند ما عیسای مسیح و مادر بزرگوارش، ترس از خطر را فراموش کنم و با دلشادی و خرسندی برای خدمت فرمانروا و دین نصارا به سفر روم...» (همان).

مطالعه سرگذشت سفیران ونیزی در این دوره، نشان می‌دهد که آنها به جز اهداف سیاسی و اقتصادی، اهداف دینی را نیز دنبال می‌کرده‌اند؛ آن گونه که در اغلب مسافرتها چند کشیش نیز با سفیران همراه بوده‌اند. از سویی، می‌دانیم که اوزون حسن تسامح مذهبی داشت و همسرش هم از آمدن روحانیان مسیحی استقبال شایانی می‌کرد؛ اما این بدان معنا نیست که وی در پی تغییر دین یا گرایش به مسیحیت بوده، بلکه جلب توجه هر چه بیشتر ونیزی‌ها به سمت ایران مهم‌ترین انگیزه این تسامح بوده است.

آغاز جنگ:

اهداف مشترک ایران و اروپا موجب روابط گسترده خارجی را در این دوره از تاریخ ایران فراهم آورد و همین ارتباط در نهایت موجب شد که اروپا به ویژه جمهوری ونیز، ایران را به جنگ با عثمانی تحریک کند؛ امری که فرجام خوشی برای ایران به ارمغان نیاورد. اوزون حسن با حمایت و پشتیبانی غرب، به تدریج برای نبرد با عثمانی آماده شد، اما برای آغاز جنگ هنوز یک مشکل وجود داشت و آن هم دسترسی به سلاح گرم بود که به رغم وعده‌های متحدان، اوزون حسن هنوز به آن دست نیافته بود؛ البته ونیزیان برای او اسلحه فرستاده بودند اما برای دسترسی به آنها نیاز بود تا سرزمین قرامان را فتح می‌کند و آنگاه از راه دریا اسلحه‌ها را تحویل بگیرد.

اوزون حسن صلاح دید مدتی نظاره‌گر جنگ اروپاییان با سلطان محمد فاتح باشد تا در موقعیت مناسب یعنی زمانی که متحدان اروپایی ضربه اساسی را بر ترکان عثمانی وارد کردند، از

پشت سر حمله خود را آغاز کند. او در سال ۸۷۷ ق / ۱۴۷۲ م. به متصرفات عثمانی یورش برد (میرجعفری، ۱۳۷۹، ص ۲۹۷) و در این میان، توانست نظر شاهزادگان ترکمنی را که مورد غضب سلطان عثمانی قرار گرفته بودند، جلب کند و حتی به آنان وعده احیای موقعیت پیشینیانشان را بدهد (شاور، ج ۱، ۱۳۷۰، ص ۱۲۵).

در اواخر سال ۸۷۷ ق. یک ناوگان ونیزی حامل تجهیزات وعده داده شده و یک ناوگان متعلق به نیروهای متحد اروپایی به سوی دریای اژه روانه شدند. فردی به نام آدمیرال پی‌یترو مویچینو «با ناوگانی مرکب از نود و نه کشتی گالی ونیزی، ناپلی، قبرسی و متعلق به پاپ وارد شده و ضمن محاصره و تسخیر شهرها، استحکاماتی در ساحل ایجاد کرد.» (روبر، ۱۳۷۹، ص ۱۸۵).

سلطان محمد هم که دیگر می‌دانست نبردی شدید در پیش است، خود را برای آن آماده کرد. سرانجام، جنگ سختی در اطراف رود فرات و سپس در نزدیکی ترجان و ناحیه‌ای به نام اوچ آغولو با مرکزیت ائتلاف بلی به وقوع پیوست (میرجعفری، ۱۳۷۹، ص ۲۹۸). در نبردهای اولیه، پیروزی با سپاه ترکمانان بایندری بود، تا آنجا که توانستند سه شهر بزرگ توقات، ملطیه و سیواس را تصرف کنند، اما در مرحله نهایی جنگ که در ۱۲ اوت ۱۴۷۳ / ربیع‌الاول ۸۷۸ در نزدیکی ترجان اتفاق افتاد، اوزون حسن شکست خورد (هنتیس، ۱۳۶۲، ص ۷۹). بازرگان گمنام ونیزی در این باره می‌نویسد:

«اوزون حسن با بی‌صبری منتظر رسیدن توپخانه‌ای بود که دولت فخریه ما فرستاده بود، اما چه سپاهیان امدادی و چه توپ‌های ونیزی با سرعتی که مقتضای زمان بود، نرسیدند و حال آنکه لشکر ترک که به خوبی مجهز به توپخانه بود به موقع به مرزهای ایران رسید. حسن بیگ از این ماجرا نگران شد اما ناگزیر در حالی که هر ساعت چشم به راه رسیدن قوای امدادی ایرانیان و توپخانه ونیزیان بود، همچون شاهان بزرگوار بر آن شد که با لشگری که همراه خود داشت با دشمن رویارویی می‌شود.» (سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۱۳۴۹، ص ۳۹۶-۳۹۷).

علت شکست اوزون حسن، دسترسی نداشتن به سلاح گرم یا توپ و تفنگی بود که ونیزیان برایش فرستاده بودند. جالب است که بعدها همین اتفاق یعنی برتری نظامی عثمانی و در اختیار داشتن سلاح آتشین در جنگ چالدران علت اصلی شکست صفویان شد. افزون بر این، کوتاهی

اروپاییان در حمایت از اوزون حسن نیز از دیگر دلایل شکست وی به شمار می‌آید.

با این حال، خبر شکست اوزون حسن، موجی از حزن و اندوه را در اروپا به وجود آورد. او که در این جنگ کمک مستقیمی از اروپا نگرفت به خوبی دریافت که دیگر از متحدان مسیحی کاری بر نمی‌آید؛ بنابراین، «سفرای اروپایی را مرخص کرد و مجدداً توسط زنو، سفیر ونیزی نامه‌هایی به پادشاهان اروپا مبنی بر اظهار امیدواری در آغاز جنگ مجدد علیه عثمانی فرستاد.» از آن سو، کنتارینی هم در پاسخ به نامه او به ایران فرستاده شد. (حسن‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۵۲).

پس از جنگ ائتلق بلی و صلح میان ایران و عثمانی، رود فرات مرز غربی ایران با عثمانی شد. پس از آن، میان حکومت آق قویونلو و امپراتوری عثمانی صلحی به نسبت پایدار برقرار شد که در نتیجه آن، دربار آمد دیگر جایی برای سفیران اروپایی نداشت و اوزون حسن حتی برخی از آنها را از دربار اخراج کرد.

رویداد دیگری که در واپسین سالهای عمر اوزون حسن اتفاق افتاد، متارکه او و دسپینا خاتون بود که بیش از هر امری به شکست اوزون حسن از عثمانی و حمایت نکردن اروپاییان از وی ارتباط داشت.

پس از شکست اوزون حسن، بسیاری از متحدان وی در آناتولی مجدد به سلطه عثمانی تن در دادند و کشورهای اروپایی نیز پی بردند که اوزون حسن دیگر توان مقابله با سلطان محمد فاتح را ندارد. رابطه جانشینان اوزون حسن با عثمانی نیز از ثبات و آرامش نسبی برخوردار بود و همین امر سبب قطع رابطه سیاسی آنها با اروپا شد و از این دوره سندی مبنی بر وجود ارتباط میان آنان و اروپاییان در دست نیست.

دلایل اقتصادی اتحاد با اروپا:

ایجاد ارتباط و یا اتحاد اروپا با شرق آن روز، افزون بر مسائل سیاسی و دینی می‌توانست دلایل مهم‌تری هم داشته باشد. در بحث از روابط، یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید در نظر گرفته شود، انگیزه‌های اقتصادی برقراری یک ارتباط است. تردیدی نیست که در دوره مورد بحث، منافع اقتصادی اروپاییان به خطر افتاده بود. توسعه و تجهیز روزافزون ارتش و ناوگان دریایی عثمانی و

همچنین سقوط روم شرقی و بسته شدن تنگه‌های استراتژیک بسفر و داردانل، ضربه جبران‌ناپذیری بر منافع اقتصادی دولتهای اروپایی وارد آورد؛ آنها نمی‌توانستند مسدود شدن راههای تجاری به شرق را تحمل کنند؛ زیرا شاهرگ حیات اقتصادی اروپا بود.

با نگاهی به فعالیتها و آمار کالاهای تجاری اروپا درمی‌یابیم که از راههای تجاری شرق، سود بسیاری به این قاره وارد می‌شده است. یکی از آثار مثبت جنگهای صلیبی برای اروپاییان رونق تجارت، با مشرق زمین بود. آنان، این داد و ستد تجاری را حتی تا چین پیش بردند. جمهورها و دولت - شهرهای کوچکی همچون ونیز و جنوا با ناوگانهای مجهز نظامی و تجاری توانستند جای جای دریای مدیترانه را درنوردند و با ساختن مستعمره‌های بزرگ و کوچک، پایگاههای تجاری وسیعی برای خود به وجود آورند.

«افتادن شهر قسطنطنیه به دست ونیزیان و رفت و آمد عیسویانی که برای زیارت بیت‌المقدس یا شرکت در جنگ‌های صلیبی از اروپا به مشرق زمین می‌رفتند، تدارک مواد غذایی و اسلحه و وارد کردن کالاهای شرقی مانند حریر ایرانی، دیبای شرقی، ادویه هندی و ظروف چینی موجب شد که حوزه ونیز به صورت یک مرکز عظیم تجارتی درآید. ونیزیان، فلفل، دارچین، زنجبیل، کندر، چوب چینی، تریاک، زردچوبه و هل را از مشرق زمین به اروپا می‌رسانیدند و کتان روسی، پارچه‌های پشمی قیرسی، پوست سمور و دیگر حیوانات و سایر کالاهای اروپایی را به مشرق زمین می‌رسانیدند.» (نوائی، ج ۱، ۱۳۷۷، ص ۱۱۶).

با توجه به این مطالب، فتح قسطنطنیه ضربه مخربی بر پیکره اقتصاد دولتهای اروپایی به ویژه دولت - شهرهای ایتالیایی وارد آورد و برتری دریایی ونیز، جنوا و پیزا را درهم شکست و مقدمات چیرگی کشورهای چون اسپانیا، فرانسه، پرتغال، هلند و انگلستان را در عرصه دریاها فراهم کرد؛ بدین ترتیب، می‌توان گفت که درهم شکستن قدرتهایی که با ناوهای کوچک خود، بازرگانی در شرق و برتری تجارت دریایی را در دست داشتند، از نتایج درازمدت فتح قسطنطنیه بود (ظاهری، ۱۳۴۹، ص ۴۲ - ۴۳).

گفتنی است که تسلط ترکان عثمانی بر قسطنطنیه و اروپای شرقی برای همه حکومتهای

اروپا ناخوشایند نبود، بلکه اوضاع پیش آمده برای برخی از آنها سودمند بود:

«کشورهای لهستان و مجارستان به علت مجاورت و ارتباطی که با مسلمانان داشتند به دو دلیل علناً با دولت عثمانی مخالفت نمی‌کردند: یکی آنکه یاری مقاومت در برابر آن دولت را نداشتند و دیگر آنکه، این ارتباط از نظر فرهنگی و اقتصادی کاملاً به نفع آنها بود و اگر گاهی هم با جمهوری و نیز اظهار همدردی و همگامی می‌کردند، فقط جنبه لفظی داشت و عملاً دست به هیچ‌گونه اقدام خصمانه‌ای نمی‌زدند.» (کننارینی، ۱۳۴۹، ص ۲).

میزان صدمه مالی و خسارت اقتصادی که از جانب عثمانی به اروپاییان وارد آمد، یکسان نبود؛ برخی به دلیل مسامحه و سازش کمتر لطمه خوردند و حتی سود مادی نصیبشان شد، اما برخی دیگر، چون جنوا، پیزا و به ویژه ونیز که پرچم جنگ با عثمانی را در دست داشتند، بسیار متضرر شدند؛ پس، بی‌گمان می‌توان به این نتیجه رسید که مهم‌ترین دلیل برقراری روابط بین شرق و غرب همانا عوامل اقتصادی بوده است.

نتیجه

در دوره آق قویونلو به جز دوره‌ای کوتاه، آن هم در زمان حکومت اوزون حسن آق قویونلو، روابط ایران و اروپا بسیار محدود بوده است. این دوره کوتاه، هر چند به روابط نافرجام ایران و غرب معروف شده است، هنوز جای بحث دارد. بررسی جنبه‌های مثبت و منفی روابط ایران و اروپا بهترین راه برای درک نتیجه برقراری این ارتباط است.

به جز تنظیم مبادلات اقتصادی میان شرق و غرب، بی‌گمان به رسمیت شناختن حکومت آق قویونلو از سوی قدرتهای بزرگ اروپایی آن زمان و تثبیت جایگاه ایران در منطقه، ورود برخی اختراعات و دستاوردهای جدید اروپاییان به ایران و پدیدار شدن هنر ایرانی در شهرهای اروپایی مهم‌ترین جنبه‌های مثبت برقراری ارتباط میان ایران و اروپا بوده است. سرپرسی سایکس در مورد تبادل سفیران و تأثیر هنر و صنعت ایرانی در اروپای آن روز می‌نویسد:

«پایدارترین نتیجه این هیئت‌های سیاسی و نمایندگان همانا اقامت یک عده از

صنعتگران فلزی ایران در ونیز بوده است. ایشان در آنجا از هنرهای خودشان مسطوره* و نمونه‌های عالی و برجسته‌ای رواج دادند. این نقشه‌ها و طرح‌ها تا نورنبرگ و اگسبرگ اشاعت و انتشار یافت و کتاب‌هایی در آنجا از این الگوها نوشته شد که در آنها طرح‌های عجیب مشبک‌کاری و درهم را با زرگری وفق داده‌اند و با آن منطبق ساختند. این کتاب‌ها مخصوصاً کتاب ویرجیل سولیزنومیرگ به تمام اطراف و اکناف انتشار یافت و حتی به انگلستان رسید؛ چنان که کارهای زرگری زمان ملکه الیزابت شاهد صادقی است بر نفوذ صنایع ایران.» (همو، ج ۲، ۱۳۳۰، ص ۲۰۲-۲۰۳).

بی‌گمان، از این دوره به بعد بود که توجه کشورهای اروپایی به موقعیت تجاری و نظامی ایران در منطقه جلب شد؛ بنابراین، تقویت توان نظامی ایران در پیشبرد اهداف سیاسی، اقتصادی اروپا مهم به نظر رسید. آمدن مستشاران نظامی به ایران و مجهز کردن آق قویونلوها به اسلحه گرم و به کارگیری آن در نبردهای مختلف داخلی و خارجی - در واپسین سالهای عمر اوزون حسن - نخستین گام اروپاییان در رسیدن به اهدافشان بود.

این روند به لحاظ سیاسی چه سودی برای ایران داشت؟ اگر بپذیریم که ایران در زمان اوزون حسن از نظر سیاسی و نظامی جنبه ابزاری یافته بود و در جنگ با عثمانی، نرسیدن به موقع کمکهای نظامی غرب، شکست سنگینی را بر او تحمیل کرد و موجب از دست رفتن نواحی غرب و شمال غربی خاک ایران و مسدود شدن مرز غربی ایران تا رود فرات شد و خسارت جبران‌ناپذیری بر کشور وارد آورد، بی‌گمان به ذهن می‌رسد که این رابطه به لحاظ سیاسی شکست خورد و هیچ سودی برای ایران نداشت، اما باید توجه کنیم که برقراری همین ارتباط نافرجام، مقدمه و تجربه‌ای شد برای صفویان که با آگاهی بیشتر (به ویژه در زمان اوج شکوفایی سیاسی و اقتصادی آنها) روابط دیپلماسی ایران و اروپا را از سرگیرند و در این راه به جز جنبه سیاسی و اقتصادی آنها، عظمت فرهنگ ایرانی - اسلامی و هنر و معماری ایران را در اروپا به نمایش بگذارند.

* مسطوره در اینجا به معنی کالا است (معین، ۱۳۷۸، مدخل مسطوره).

کتابنامه

۱. اوزون چارشلی، اسماعیل حقی، *تاریخ عثمانی*، ج ۲، برگردان: وهاب ولی، تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰.
۲. _____، *تاریخ عثمانی*، ج ۱، برگردان: وهاب ولی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
۳. _____، «نگاهی به تشکیلات دولتهای قراقویونلو و آق قویونلو»، برگردان: وهاب ولی، مجله تحقیقات تاریخی، ش ۸، بهار ۱۳۷۲.
۴. حسن‌زاده، اسماعیل، *حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو*، تهران: سمت، ۱۳۷۹.
۵. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: مجلس، ۱۳۲۵.
۶. روملو، حسن، *احسن التواریخ*، به کوشش و تصحیح چارلز نورمن سیدن، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۴۷.
۷. رویمر، هر، «سلسله‌های ترکمانان»، *تاریخ ایران دوره تیموریان (پژوهش از دانشگاه کمبریج)*، برگردان: یعقوب آژند، تهران: جامی، ۱۳۷۹.
۸. سایکس، سربرسی، *تاریخ ایران*، ج ۱، برگردان: سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: چاپخانه نگین، ۱۳۳۰.
۹. *سفرنامه‌های ویزیان در ایران*، برگردان: منوچهر امیری، تهران: خوارزمی، ۱۳۴۹.
۱۰. شاو، استانفورد جی و ازل کوردل شاه، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ج ۱، برگردان: محمود رمضان‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
۱۱. طاهری، ابوالقاسم، *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس*، تهران: فرانکلین، ۱۳۴۹.
۱۲. کنتارینی، آمبروسیو، *سفرنامه آمبروسیو کنتارینی*، برگردان: قدرت‌الله روشنی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۹.
۱۳. معین، محمد، *فرهنگ معین*، ج ۱۳، تهران، ۱۳۷۸.
۱۴. میرجعفری، حسین، *تاریخ تیموریان و ترکمانان*، اصفهان: سمت و دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۹.
۱۵. نوانی، عبدالحسین، *ایران و جهان*، ج ۱، ج ۴، تهران: هما، ۱۳۷۷.
۱۶. هینتس، والتر، *تشکیل دولت ملی در ایران*، برگردان: کیکاووس جهانداری، ج ۳، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲.
۱۷. یوسف جمالی، محمد کریم، *زندگانی شاه اسماعیل اول*، کاشان: محتشم، ۱۳۷۶.